



مجله فرهنگی، ادبی 'آنی'

ویژه نامه نوروز ۱۴۰۳

نوروز باستانر نوید دهنده
بهار زندگانی یادآور شکوه
ایران و یگانه یادگار جمشید
را بر شا فرخنده بار

The cover of a magazine features a green background. At the top left is a circular inset image of a ruined tower, identical to the one on the left page. To its right is the title "ویژه نامه نوروز ۱۴۰۳" in red Persian script. Below the title is a block of Persian text in a calligraphic font. On the right side, there is a colorful illustration of a young girl with curly brown hair, wearing a bright red dress with a yellow necklace and a red hat with a yellow band. She is holding a large red ball. In the foreground, there is a table covered with a red cloth, set with various items including flowers, a book, and a small shrine-like structure. The background of the illustration is a blue circle with white and blue bokeh lights.

شروع سخن

با درود فراوان خدمت شما همراهان و خوانندگان عزیز مجله آنی...

در آستانه ی فرارسیدن نوروز باستانی و عید رستاخیز بهار که یادگار ماندگار جمشید پادشاه مشهور پیشدادی است را خدمت شما دوستان و ملت عزیز ایران و تمامی مردمان کشوره های حوزه نوروز تبریک و تهنیت عرض می نمایم. برگی دیگر از تاریخ ورق می خورد، با تمامی تجربیات و سختی ها و ناهمواری ها اما باری دیگر زمستان به سر رسیده و بهار آغوشش را بر بشریت می گشاید. در سالی که گذشت مجله ادبی آنی توانست جایگاهی در میان ثانیه ها و روزهایتان پیدا کرده و در دستان پرمهرتان به آرامش و آسودگی برسد. بر آن شدیم که در گرامیداشت آغاز بهار ۱۴۰۳ با انتشار ویژه نامه نوروز به استقبال بهار فرخ افزا برویم.

مدیر مسئول مجله آنی
(آنیتا-آرزومانیان)

بشن چهارشنبه سوری

ایرانیان از دیرباز، مدت ها پیش از عید به استقبال سال نو می رفتند. طبق سنت دیرینه، مردم با خانه تکانی و خرید لباس و وسایل نو آمدن بهار را تدارک می دیدند و در آخرین چهارشنبه ی سال با برگزاری مراسم چهارشنبه سوری خستگی کارها را از تن به در می کردند.

در شب آخرین چهارشنبه سال، یعنی نزدیک غروب آفتاب روز سه شنبه، مردم بیرون از خانه هایشان آتشی می افروزند و از روی آن می پرند و میگویند: "زردی من از تو، سرخی تو از من" تا به صورت نمادین بیماری و مرض را از خود دور کنند، از دیگر مراسم این شب:

فال گوش ایستادن است. به این نحو که عده ای از جوانان نیت میکنند و چهره های خود را می پوشانند و در جایی می ایستند و اولین عبارت از اولین ره گذر را جواب نیت خود می گیرند.

قاشق زنی یکی دیگر از رسوم شب چهارشنبه سوری است. جوانان برای سرگرمی چهره خود را می پوشانند و به در خانه دوستان و آشنایان می روند و آن قدر با قاشق به ظرفی می کوبند تا صاحب خانه در را باز کند. صاحب خانه، که تلاش می کند قاشق زن را بشناسد، به او هدیه ای، که بیش تر شیرینی و آجیل چهارشنبه سوری است، می دهد. در اغلب دهات رسم بود که پس از مراسم آتش افروزی، دوشیزگان خاکستر آتش را از خانه بیرون می بردند و در کنار دیوار می ریختند و سپس در می زدند. در این هنگام از آنان پرسیده میشد: "کیست در می زند؟"



دوشیزه جواب می داد: "منم". از او می پرسیدند که "از کجا آمده ای؟" دوشیزه پاسخ می داد: "از عروسی" پرسیده می شد: "با خود چه آورده ای؟" دوشیزه جواب می داد: "تن درستی" یکی از خوردنی های شب چهارشنبه سوری آجیلی است با طعم شیرین که مخلوطی است از پسته و بادام و فندق خام و برگ هلو و انجیر و خشک بار دیگر. هم چنین در برخی از نواحی ایران پختن غذاهای خاصی مثل مثل آتش رشته و رشته پلو در این شب مرسوم است.



آیین چهارشنبه سوری در شهرهای مختلف ایران به شکل های گوناگونی اجرا میشود. در مناطق شمال و شمال غربی، به ویژه آذربایجان، مراسم شال اندازی رواج داشته است. بدین صورت که عده ای به طور ناشناس به پشت بام ها می روند و از دریچه ی سقف و یا پنجره شال های رنگی به داخل اتاق آویزان می کنند. البته این افراد از آشنایان صاحب خانه هستند و صاحب خانه باید حدس بزند که این ناشناس کیست و چیزی به فراخور حال او به رسم هدیه به شال او ببندد که اغلب تخم مرغ رنگی، آجیل، شیرینی است.

در برخی از شهرهای ایران از جمله ایلام، نویسرکان، کاشان و زاهدان مراسم چهارشنبه سوری را آخرین چهارشنبه ماه صفر برگزار می کنند.

بر اساس نظر پورداوود، آتش افروزی ایرانیان در پیشانی نوروز از آیین های دیرین است. شک نیست که افتادن آن آتش افروزی به آخرین چهارشنبه سال پیش از اسلام رسم شده است؛ زیرا ایرانیان آدینه و شنبه نداشتند. روز چهارشنبه نزد عرب ها روز شوم و نحسی است. جاحظ در المحاسن و الاضداد آورده است: و الاربعاء یون ضنک و نحس (چهارشنبه روز سخت و نافرخته است).

این است که ایرانیان آیین آتش افروزیث پایان سال خود را به شب آخرین چهارشنبه سال انداختند تا پیش آمدهای سال نو از آسیب روز پلیدی چون چهارشنبه بر کنار ماند.



و اما فرارسیدن بهار و جشن نوروز

نوروز یکی از قدیمی ترین جشن های ایرانیان است که از دیرباز حوادث تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی نتوانسته آن را از رونق ببرد.

نوروز از ترکیب دو واژه فارسی "نو" و "روز" ساخته شده است و بر نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی اطلاق میشود.

ابوریحان بیرونی می گوید از رسم های پارسیان نوروز است که نخستین روز از فروردین ماه و از این جهت روز نو نام کرده اند؛ زیرا که پیشانی سال نو است.

حکم عمر خیام در نوروزنامه می نویسد: "سبب نام نهادن نوروز از آن بوده است که آفتاب در سیصد و شصت و پنج شبانه روز و ربعی به اول دقیقه ی حمل باز آید و چون جمشید آن روز را دریافت، نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان به او اقتدا کردند. چون آن وقت را پادشاهان عجم دریافتند از بهر بزرگداشت آفتاب، آن را نشانه کردند و آن روز را جشن ساختند و عالمیان را خبر دادند تا همگان آن را بدانند و آن تاریخ را نگاه دارند. بر پادشاهان واجب است آیین و رسم ملوک را به جای آرند از بهر مبارکی و بهر تاریخ و خرمی کردند در اول سال. هر که روز نوروز جشن کند و به خرمی پیوندد، تا نوروز دیگر عمر در شادی گذراند و این تجربت را حکما از برای پادشاهان کردند."

از نظر **مهرداد بهار**، قدمت نوروز بس کهن است و قدیمی ترین نشانه های نوروز را می توان در آسیای صغیر یافت که مربوط به نخستین خاندان سلطنتی **اور** میشود. طی این جشن ازدواج مقدس میان الهه ی آب و خدای باروری انجام می گرفته و کاهنه ی معبد نقش الهه را بر عهده داشته است. این آیین مربوط به **هزاره سوم پیش از مسیح بوده است**. در این مراسم، شاه نقش خدای باروری را بر عهده داشته است.

در فرهنگ ایرانی، نوروز جشنی است که از روز هرمزد (روز اول) از ماه فروردین شروع میشود و تا مدتی ادامه دارد. این عید، که از بزرگترین اعیاد ملی ایرانیان و نماینده قریحه شاداب این ملت کهن سال است، به آن علت از اعیاد دیگر ملل چشم گیرتر و ماندگارتر است، که در هنگام جوانی جهان برپا میشود. یعنی مبشر نو شدن زمان و به پایان رسیدن عمر زمستان است.

عمده ترین علل برپایی نوروز میان اقوام ایرانی چنین است:

۱- نوروز به صورت طبیعی در یکی از قسمت های دو گانه سال واقع شده است و برای جشن ملی بسیار مناسب است.

۲- از گذشته های دور، اول ماه و اول سال در نزد ایرانیان مقدس بوده است. روز اول هر ماه در نزد زرتشتیان به نام خداوند "اهورامزدا" موسوم است و به این علت بسیار محترم است و جشنی مذهبی به شمار می آید. اول هر سال نیز، صرف نظر از جای گاه ویژه خود، مصادف با روز هر مزد میشود و محترم است. در دوران های اسلامی نیز اول هر سال و اول هر ماه هم پنان نزد ایرانیان مسلمان محترم بوده است. منوچهری میگوید: "**اورمزد است و خجسته سر سال و سر ماه**" هنوز هم درباره هر ماه و حرمت آن عقایدی در میان عامه رواج دارد. پس در نتیجه اتفاق دو روز مقدس عیدی پدید آمده که موقع طبیعی اش آن را دوام داده است.

دو دوران پیش از اسلام، و به ویژه ساسانیان، اهمیت روز ششم، یعنی خردادروز از فروردین ماه مصادف با تولد زرتشت، نیز باعث اهمیت بیشتر این امر و امتداد جشن تا چند روز دیگر شده است.

۳- برخی از پژوهشگران؛ از جمله **کانگیر آلمانی**، علت پیدایش نوروز را مذهبی شمرده و گفته اند که بنابر عقیده مذهبی زرتشتیان، ماه فروردین و جشن فروردین متعلق به فروهرهای مقدس است. به عقیده زرتشتیان و بنابر آنچه در **بنداهش** آمده، فروهر یکی از قوای پنج گانه انسان است که پیش از تولد او موجود بوده و تنها چیزی است که از وی باقی می ماند و جدا نمیشود مگر برای برگشت و اتصال مجدد به او.

از نظر زرتشتیان ، فروهرها در ده روز آخر سال به زمین و اماکن اولیه ی خویش فرود می آیند. در اول هر سال نیز این عمل تکرار میشود. از این رو مردم برای خشنودی ارواح نیاکان و در گذشتگان ، در ایام مذکور مراسمی برپا می کرده اند که رفته رفته صورت جشنی مذهبی یافته و از این جشن بسیار شبیه به عید مردگان است . برخی معتقدند که نوروز در اصل عید مردگان بوده و بعد از صورت اصلی خود برگشته و به شکل جشنی ملی درآمده است، اما این عقیده استدلال محکمی ندارد.

برخی دیگر نوشته اند که با محاسباتی که در زمان کیومرث شد، دانستند که فروردین در هر سال چند ساعت از موقع اصلی خود عقب افتاده است و در مدت ۱۴۶۱ سال باز بدان محل ، که نقطه اعتدال بهاری باشد، باز میگردد. از موقعی که کیومرث حساب سال شمسی را پیدا کرد تا صد و بیست و یکمین سال سلطنت جمشید، این روز به آخر رسید و فصل به محل نخستین بازگشت. بر مبنای این نظر ، چون جمشید آن روز را دریافت "جشن ساخت و نوروزش نام نهاد و مردمان را فرمود که هر سال چون فروردین نو میشود آن روز را نو دانند. تا آن گاه که دور بزرگ باشد و نوروز حقیقت خوانند."

سخن ابو عثمان جاحظ می گوید اول کسی که نوروز را پدید آورد خسرو بن پرویز جهان است و اصل در نوروز این بود که او در این روز بر دنیا پادشاه شد و اقالیم ایران شهر را آباد کرد.

در همین باب گویند که چون اهریمن برکت را از زمین برد و باد را از وزش انداخت تا درختان خشک شوند، نزدیک بود که عالم وجود دچار فساد گردد. پس جمشید به امر خداوند و ارشاد او به ناحیه ی جنوبی رفت تا با اهریمن مقابله کند و در آن جا مدتی ماند تا این غائله رفع شد. مردم به اعتدال و برکت و فراوانی برگشتند و از بلا نجات یافتند و در این هنگام ، جم به دنیا بازگشت و در این روز مانند آفتاب طلوع کرد و نور از او ساطع شد و مردم از طلوع دوم آفتاب تعجب کردند و آن چه چوب خشک بود سبز شد . پس مردم گفتند : اینک روز نو

هم چنین در **کتاب التفهیم** درباره نوروز آمده است که چون سلیمان بن داوود انگشتری خویش را گم کرد، سلطنت از دست او بیرون رفت، ولی پس از ۴۰ روز انگشتر خود را بازیافت و پادشاهی و فرمان دهی به او بازگشت و مرغان بر دور او گرد آمدند. ایرانیان گفتند: نوروز آمد، یعنی روز تازه.



در عهد باستان، مراسم جشن نوروز به مدت ۲۱ روز برگزار می شد که در هر روز برنامه ای خاص انجام می گرفت. چند روز دید و بازدید از خویشاوندان و بزرگان، جشن ریشون، جشن خردادگان، بار عام شاه از همه طبقات، تفریح در تفرج گاه ها، جشن فروردگان. در تقسیم بندی دیگری، فروردین به شش قسمت تقسیم می شده است. این تقسیم بندی از زمان جمشید، و به قول بیرونی در آثارالباقیه، بعد از جمشید و در زمان ساسانیان معمول بوده است.

طبق تقسیم بندی دیگری، نوروز دو بخش داشته است:

- ۱- نوروز عام، روز آغاز اعتدال بهاری و آغاز سال نو.
- ۲- نوروز خاص، روز ششم فروردین با نام "خردادروز"





هفت سین؛ خوان نوروزی

پورداوود این سفره را همانی خوان میداند که موجد خیر و برکت و آب سالی است و برای فروهرهای درگذشتگان می گستراندند. هنوز در ایران در این اوقات خانه می ارایند، همه جا را پاک میکنند، رخت نو می پوشند، بوی خوش بخور میدهند، گل و شیرینی و شربت مینهند، دعا میکنند و نماز می گزارند، و در خوان چه ای هفت چیز، که اسمشان با حرف سین شروع شده باشد، مثل سبزه، سنجد، سیب می گذارند. این عدد هفت، که از زمان قدیم مقدس بوده، به هفت **امشاسپندان، بزرگترین ایزدان آیین مزدیسنا**، اشاره دارد. این رسوم برای این بوده که فروهرهای مقدسان و نام داران و درگذشتگان خانواده ها، که از آسمان فرود می آیند و چند روزی به رسم سرکشی در روی زمین می گذرانند، از خانه و زندگانی بستگان و از دین داری و پرهیزکاری و داد و دهش بازماندگان خویش خشنود شوند و از درگاه خداوند خوشی و تن درستی آنان را بخواهند.

طبق رسوم کهن، همه اعضای خانواده در موقع تحویل سال (لحظه ورود خورشید به برج حمل) در خانه و کاشانه خود در کنار سفره هفت سین گرد می آیند.

در سفره سفید رنگ هفت سین، هفت خوراکی است که با حرف "س" آغاز میشود و نماد و شگونی بر فراوانی رویدنی ها و فراورده های کشاورزی است؛ از جمله سیب، سبزه، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سمنو، افزون بر آن آیین، شمع، ظرفی شیر، ظرفی آب که نارنج در آن است، تخم مرغ رنگ کرده، ماهی قرمز در تنگ آب، نان، سبزی، گلاب، گل، سنبل، سکه، و کتاب دینی مسلمانان قرآن، و زرتشتیان، اوستا و ظرفی از دانه های حبوبات به نشانه برکت نیز زینت بخش سفره هفت سین است. این سفره در پیش تر خانه ها تا روز سیزده گسترده است.

در برخی از منابع، از سفره هفت شین (هفت رویدنی که با حرف شین آغاز میشود) یاد شده است و آن را رسمی کهنه تر دانسته اند.

در تمام فرهنگ ها و ملیت ها، جشن های مهم از واقعه ای برجسته در روز یا زمان مشخص منشا یافته اند. این واقعه ممکن است تولد شخص مهم یا روز استقلال یک کشور و یا پیش آمدی خجسته براملتی و حتی آغاز سال جدید باشد.



حاجی فیروز

چند روز به جشن نوروز مانده، دسته ای از مردمان با نشاط در صدد تهیه ی مقدمات فرا رسیدن عید نوروز به دور هم گرد می آمدند، شتر و یا اسبی تهیه می کردند و جوانی خوش صورت و نیک سیرت را از میان خود برمیگزیدند و آن جوان را "میرنوروز یا حاجی فیروز" نام می نهادند.

جوانان همراه میرنوروز یا حاجی فیروز همگی دل زنده و خوش گذران بودند. این دسته با تار و تنبور و ساز دهنی به خواندن این ترانه مشغول بوده، به کوچه و بازار می رفتند و مردم را شاد میکردند "حاجی فیروزه؟ بله. سالی یک روزه؟ بله" در هر جایی که شتر یا اسب حاجی فیروز از حرکت می ایستاد، صاحب خانه یا صاحب دکان بایستی سروسات حاجی فیروز و یاران او را با کمال ادب و احترام تقدیم میکرد.



در این هنگام مادرانی که دختر شوهر نکرده داشتند دیدن حاجی فیروز و یاران او را به فال نیک می گرفتند و دخترانشان را در آب انبار یا پستو زندانی میکردند و بر جامه ی آنها هفت گره می زدند و به محض شنیدن صدای تار و تنبور حاجی فیروز و ملازمانش به بیرون از خانه دویده ،یکی از پسر بچه های نابالغی را که مشغول تماشا بود می ربودند و به خانه میبردند. سپس، او را و می داشتند که به داخل آب انبار و پستو برود و آن هفت گره جامه ی دختران زندانی را بگشاید اعتقاد بر این بود که این کار باعث شوهر کردن و باز شدن گره بخت دختران شوهر نکرده می شود.

حاجی فیروز یک حلقه طناب بلند در دست راست و یک باز شکاری سفید در دست چپ خویش داشت. وقتی که از کنار دیوار خانه ای عبور میکرد طناب خود را از روزنه ی بخاری یا اجاق یا بادگیر خانه و یا بالای در به داخل خانه می انداخت. صاحب خانه با دیدن طناب میدانست که حاجی فیروز چیزی را طلب کرده است. او موظف بود نزدیکترین چیز را بی درنگ بردارد و به طناب حاجی فیروز ببندد و حاجی هم بایستی بی درنگ طناب خود را بیرون بکشد. پس از کشیدن طناب حاجی فیروز با دیدن هر چیزی که به طناب بسته شده بود فال می گرفت؛ مثلاً اگر جارویی به طناب بسته بودند حاجی فیروز آن را به فال بد تعبیر می کرد و فریاد میزد که " این خانه خراب خواهد شد و تمام ثروت این خانه به باد فنا خواهد رفت." و اگر نان شیرمال و شیرینی و آجیل به طناب بسته بودند حاجی فیروز این عمل را به فال نیک می گرفت و فریاد میزد " که این خانه به منتهای سعادت خواهد رسید:

البته بیشتر این رسوم امروزه منسوخ شده است و از حاجی فیروز فقط مردی با لباس قرمز باقی مانده که با دایره ای در دست و صورتی سیاه شده میخواند و میرقصد و مردم را شاد میکند.

ننه سرما



ننه سرما شخصیتی افسانه ای مانند عمو نوروز و حاجی فیروز در فرهنگ ایران است. شکل گیری این شخصیت به زمان زرتشت برمی گردد.

داستان عمو نوروز و ننه سرما نیز از افسانه های نمادین تبدیل سال کهنه به سال نو است. پیری کهن سال که بابانوروز یا عمونوروز خوانده میشود، به دیدار زنی فرتوت که او را ننه سرما می نامند و به گونه ای بانوی عمونوروز شمرده میشود.

طبق افسانه ها، ننه سرما در درازای سال، تنها در این شب است که از بخت در کنار شوهر بودن برخوردار است. پس از این شب ننه سرما عمو نوروز را وا می نهد و به راه خود می رود تا در سال آینده این دو باز در همین شب یک دیگر را ملاقات کنند.

رنگ سرخ جامه ی بابا نوروز نشان راز آلودگی خورشید است که نشانه ای از آن در هفت سین نوروز و سفره ی شب چله نیز مشاهده میشود و ریش سفید و بلند بابا نوروز نشانه ی زمان و قدمت نوروز و جاوید بودن آن است. بنا به گفته ی برخی محققان، رنگ سرخ جامه ی بابانوئل نیز از سرخی جامه ی عمونوروز گرفته شده است.

سیزده بدر

جشن سیزده فروردین ماه از اعیاد ایرانیان و فارسی زبانان است. ایرانیان از این روز آگاهی چندانی ندارند؛ بنابراین آن را بدشگون میدانند و برای بیرون کردن بدیمنی از خانه و کاشانه خود، کنار جویبارها و سبزه ها می روند و به شادی میپردازند هیچ منبع یا محقق سیزده نوروز را بدشگون ندانسته است ، بلکه اغلب سیزده نوروز را بسیار فرخنده دانسته اند که نکته ای بسیار خردمندانه و مستند به سوابق تاریخی است. سیزدهم هر ماه شمسی که «تیرروز» نامیده میشود، که مربوط به ایزد بزرگی به نام تیر است که در پهلوی آن را تیشتر می گویند. ایرانیان قدیم پس از دوازده روز جشن گرفتن و شادی کردن، که به یاد دوازده ماه سال است، روز سیزدهم نوروز که آن را فرخنده می دانستند به باغ و صحرا می رفتند و شادی می کردند و در حقیقت با این ترتیب دوره نوروز را به پایان می رساندند.



در کتابهای تاریخی پیش از قاجار به چنین مراسمی اشاره نشده است. مهرداد بهار در کتاب از **اسطوره تا تاریخ** به جشن و پای کوبی مردم در اماکن عمومی و حتی بی روپوش و روبنده به خیابان آمدن زنان در دوران صفوی اشاره می کند.

سبزه گره زدن



افسانه آفرینش در ایران باستان و آفرینش نخستین بشر و نخستین شاه، کیومرث، اهمیت بسیار دارد. در اوستا چندین بار از کیومرث سخن میان آمده و او اولین پادشاه و نیز نخستین بشر نامیده شده است. مشیه و مشیانه، پسر و دختر همزاد کیومرث، روز سیزدهم فروردین، با هم پیوند زناشویی بستند و این نخستین ازدواج در جهان بود. آن دو با گره زدن دو شاخه پیمان زناشویی خود را بنا نهادند. این آیین ها را به ویژه دختران و پسران دم بخت انجام می دادند و امروز هم دختران و هم پسران برای بستن پیمان زناشویی آرزو میکنند و سبزه گره می زنند.

این روز آیینهای ویژه ای دارد که در درازنای تاریخ پدید آمده و اندک اندک سنت شده اند. برخی از این آیین ها بدین قرارند: گره زدن سبزه؛ سبزه به رود سپردن؛ خوردن کاهو و سکنجبین؛ پختن غذاهای متنوع؛ به ویژه آش رشته.

در خرم آباد رسم است که به جای سیزدهم فروردین، روز چهاردهم به گردش در طبیعت می روند و آن را گاه چهارده بدر می نامند.

سال ۱۴۰۳ را خدمت شما و خانواده محترمتن تبریک عرض
مینماید و با آرزوی سالی پر از آرامش، تندرستی و موفقیت را
برای یکا یکا شما بزرگواران آرزومند است.



مژده‌ای دل که دگر باره بهار آمده است
خوش خرامیده و با حسن و وقار آمده است
به تو ای باد صبا می‌دهمت پیغامی
این پیامی است که از دوست به یار آمده است
شاد باشید در این عید و در این سال جدید
آرزویی است که از دوست به یار آمده است

سال نو مبارک باد

(آنیتا-آرزومانیان)

مدیر مسئول مجله